



گفتمان بصیرت دینی در اشعار محمد مهدی جواهری و نقش آن در بیداری اسلامی

فاطمه گوشه نشین^۱، فریده اخوان پلنگ سرائی^۲، ابراهیم نامداری^۳

چکیده

بصیرت دینی به معنای درک عمیق و بینش صحیح نسبت به حقایق دینی و زندگی است. این مفهوم به انسان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌ها و انتخاب‌ها، تصمیمات صحیح‌تری بگیرد. بصیرت دینی در شعر شاعران به معنای توانایی درک عمیق و بینش صحیح نسبت به مفاهیم دینی و اجتماعی است که شاعران با استفاده از هنر خود به تبیین آن و نیز بیداری اسلامی در میان مردم می‌پردازند. (مسئله) در این پژوهش با رهیافت توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای، (روش) تلاش شد تا نمود بصیرت دینی و نقش آن در بیداری اسلامی در شعر محمد مهدی جواهری تبیین گردد تا بر این واقعیت تأکید گردد که این شاعر تنها به بیان مسائل دینی به صورت صرف و با جنبه‌های توصیفی نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند از لابه‌لای این ابیات، بصیرت دینی ایجاد کند و به تبع آن به نوعی بیداری اسلامی در جامعه نیز بپردازد و هموطنان خود را نسبت به شرایطی که در کشورشان به عنوان یک کشور اسلامی وجود دارد، بیدار سازد. و وظیفه خود را به عنوان یک شاعر ملتزم به دین نیز به خوبی انجام دهد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش آن است که جواهری توانست در مفاهیمی مانند یاد خدا و پشتیبانی و رحمت الهی، هشدار در مورد مرگ، فریبده بودن دنیا، دعوت به هوشیاری برای شناخت حق و باطل، تأکید بر پیروی از عقل و نکوهش ظاهرگرایی، به روشنگری بپردازد و به نوبه خود تا جایی که می‌تواند نوعی بصیرت دینی در خوانندگان ایجاد کند. (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: گفتمان، بصیرت دینی، شعر معاصر عربی، محمد مهدی جواهری

DOR: [20.1001.1.23225645.1403.13.3.1.6](https://doi.org/10.2001.1.23225645.1403.13.3.1.6)

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
fatemeh.gooshehneshti@pnu.ac.ir
۲. دانش آموزخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد قم، قم، ایران
faride_akhavan@yahoo.com
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران
enamdari@abru.ac.ir

دوره ۱۳، شماره ۳،
پیاپی ۳۳ پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۶/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۸/۰۲
صص: ۷-۲۴

شابا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی هفتاد گزافی هنر
JOURNALS.MSRT.IR

مقدمه

بصیرت دینی به معنای داشتن باور و پذیرش قلبی نسبت به حقایق دینی است. این ویژگی باعث می‌شود فرد در مسیر دین و اخلاق پایدار بماند و در برابر وسوسه‌ها و چالش‌ها مقاوم‌تر باشد. بصیرت به فرد این امکان را می‌دهد که از تجربیات گذشته عبرت بگیرد و در تصمیم‌گیری‌های آینده از آن بهره‌برداری کند. بصیرت دینی و بیداری اسلامی ارتباط بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به این صورت که بصیرت دینی به معنای درک عمیق و واقع‌بینانه از دین و زندگی است که انسان را از فریب ظواهر امور مصون می‌دارد و او را به سوی حق و حقیقت هدایت می‌کند. در مقابل، بیداری اسلامی به معنای آگاهی مسلمانان از هویت اسلامی خود و تلاش برای احیای آن است. فرد با تقویت تقوا می‌تواند بصیرت خود را افزایش دهد و درک بهتری از حقایق پیدا کند. شاعران با سرودن اشعار خود، به بیان و تبیین آموزه‌های دینی و اخلاقی می‌پردازند و سعی می‌کنند تا مخاطبان را به درک عمیق‌تری از این مفاهیم برسانند. اشعار با مضامین بصیرت افزا، به مخاطبان کمک می‌کند تا در مواجهه با فتنه‌ها و چالش‌های اجتماعی و سیاسی، آگاهانه‌تر عمل کنند. شاعران با استفاده از زبان شعر، احساسات و عواطف مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آن‌ها را به تفکر در مسائل دینی و اجتماعی، ترغیب می‌کنند. شاعران مختلفی در تاریخ ادبیات عربی وجود دارند که با اشعار خود به ترویج بصیرت دینی پرداخته‌اند. این شاعران نه تنها به بیان احساسات و عواطف مذهبی پرداخته‌اند، بلکه با نگاهی عمیق به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود، تلاش کرده‌اند تا مخاطبان را به آگاهی و بصیرت بیشتر دعوت کنند. با توجه به اهمیتی که مقوله بصیرت دینی در شکل‌گیری بیداری اسلامی در عصر معاصر پیدا کرده است، ضرورت دارد که پژوهش مستقلی در این زمینه صورت گیرد. در تکمیل این سخن باید گفت مقوله گفتمان و بررسی آن در متون مختلف نقش بسزایی در ارزیابی میزان تأثیر گذاری آن‌ها دارد و به همین دلیل می‌توان به اهمیت پژوهش حاضر پی برد؛ زیرا در آن بر تأثیر گفتمان و نقش آن در انتقال معانی و مفاهیم مورد نظر جواهری^۴ تأکید شده است. در

^۴. محمد مهدی جواهری بزرگترین شاعر کلاسیک عراقی ایرانی تبار در نیمه قرن چهاردهم، در ۱۷ ربیع الأول سال ۱۳۱۷ در نجف به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را نزد معلمی تندخو گذراند به طوری که بعدها از تأثیر منفی این دوره با تلخی یاد می‌کند. (روبرت و یسوعی، ۱۹۹۶: ۴۳۳/۱) جواهری از کودکی، علاقه زیادی به شعر داشت؛ از این‌رو پدرش او را با خود به مجالس بزرگان ادبیات برد که تحت تأثیر اندیشه آزادی‌خواهانی همچون محمد سعید حبیبی قرار گرفت. وی دو بار به ایران سفر کرد که نتیجه آن سرودن شعرهای چون «علی حدود فارس، فی طهران، علی دربند» گردید. نگرش سیاسی او منحصر به عراق نیست بلکه درباره فلسطین هم، شعر سروده است؛ او در قصیده «فلسطین الدامیه» ضمن فراخواندن

- این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و استناد به کتاب‌های مختلف در زمینه بصیرت دینی، تلاش شد نمونه‌های شعری متعددی در راستای بصیرت دینی در شعر محمد مهدی جواهری شناسایی و تحلیل گردد و در نهایت به سؤالات پژوهشی زیر پاسخ داده شود:
- (۱) مهم‌ترین مؤلفه‌های بصیرت دینی در شعر محمد مهدی جواهری کدامند؟
 - (۲) شاعر از کدام مؤلفه برای ایجاد بصیرت دینی بیشترین استفاده را می‌کند؟

۲ - پیشینه تحقیق

- مهم‌ترین مقالاتی که به عنوان پیشینه این مقاله می‌توان از آن‌ها نام برد، عبارتند از:
۱. مقاله «دین در اندیشه جواهری و شهریار (بررسی و تطبیق)» از مهدی ممتحن و دیگران (۱۳۸۹)، این مقاله تطبیقی است میان اندیشه‌های دینی این دو شاعر نوکلاسیک که قصد اصلاح جامعه محروم و خرافه‌گرا و پر آشوب کشور خود را داشتند و اشعار خود را در خدمت مردم قرار دادند.
 ۲. مقاله «هویت یابی اسلام و عرب در اشعار محمد مهدی جواهری» از شهریار نیازی و سیده فیروزه حسینی (۱۳۹۱)، نویسندگان به بررسی مفاهیم سیاسی و اجتماعی در شعر جواهری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که وی علاقه وافری به سرودن اشعار میهنی دارد و جنبش‌ها و قهرمانی‌های ملت عراق را توصیف کرده است.
 ۳. مقاله «بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم» از جواد حسین زاده و سیاوش پوریوسف (۱۳۹۵)، نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیدند که «بصیرت» مقامی اکتسابی است که از راه‌های ایجابی و سلبی قابل دست یابی می‌باشد.
 ۴. مقاله «معناشناسی بصیرت دینی و تبیین آثار و کارکردهای آن با تأکید بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای» از ابوالقاسم بخشیان و سید رضی سید نژاد (۱۳۹۷)، نتیجه حاصل از این مقاله آن است که امام خامنه‌ای عامل موفقیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را شناخت درست از دین و التزام به معارف دینی معرفی کرده، می‌فرماید: آن نکته اصلی در باب سپاه این است که بلاشک، در طول جنگ، سپاه عنصر مؤثر و تعیین‌کننده جنگ بود و اکثر فتوحاتی که ما از اول تا آخر جنگ داشتیم با نام سپاه همراه است؛ یا منحصراً متعلق به سپاه بود.
 ۵. مقاله «آثار بصیرت دینی از منظر قرآن و حدیث» از زینب کیانی (۱۳۹۹)، بر اساس نتایج این پژوهش شناخت حقیقت ولایت، مسیر اهل بصیرت، تقوای الهی، ذکر خدا، پیروی از عالمان وارسته و داستان‌های عبرت آموز قرآنی به عنوان راه‌های کسب و افزایش بصیرت دینی، اقتدار معنوی، دفع فتنه و امر به معروف و نهی از منکر از آثار بصیرت دینی است. همانطور که پیداست، نویسندگان در این مقالات به بررسی مقوله گفتمان و نقش آن در

بصیرت دینی نپرداختند و به همین دلیل پژوهش حاضر از این جهت که به تحلیل ابیات با توجه به گفتمان بصیرت دینی پرداخته است، یک اقدام نو به شمار می‌رود.

۳ - بصیرت

«بصیرت دینی» تعبیری مرکب از دو واژه «بصیرت» و «دین» است. پس، برای فهم معنای این ترکیب، لازم است نخست، اجزاء آن به صورت مشخص تعریف گردد. «بصیرت» کلمه‌ای عربی از ریشهٔ بصر (چشم) است. در قرآن کریم، این واژه به معنای «دلیل»، «حجت»، «برهان»، «یقین و اطمینان کامل»، «شاهد»، «آگاهی» و «بینایی دل» به کار رفته است. می‌توان گفت: «جامع همه این معانی و اصل در معنای بصیرت همان دریافت باطنی و بینایی دل است که حاصل ادراک قطعی عقلی و قلبی می‌باشد. با توجه به کاربرد بصیرت دینی در منابع دینی و استعمال آن در بیانات فرماندهی معظم کل قوا، می‌توان گفت: بصیرت یعنی درک عمیق، صحیح، و به هنگام از حقایق و تشخیص قطعی که موجب قدرت تحلیل و حرکت آگاهانه در صراط مستقیم می‌گردد و مراتب بالای آن با افاضه الهی صورت می‌گیرد». (حاجی صادقی، ۱۳۹۳: ۱۴)

۴ - دین

زبان شناسان معتقدند که معنای اصلی واژه دین، «انقیاد و اطاعت» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۱ و ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۹۳) است و سایر معانی ذکرشده برای دین به این معنا بر می‌گردند. برخی گفته‌اند: «معنای دین و حقیقت آن عبارت است از تسلیم، خضوع و فرمانبرداری کامل و خالص در برابر احکام تکوینی و تشریعی خداوند». (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۸۹/۳ و ابو عمر، ۲۰۰۵: ۳۲۲). در بررسی اجمالی تعاریف ذکرشده برای دین، این نکته حاصل می‌شود که در تمام تعاریف مفهوم اعتقاد و عمل لحاظ شده است. حقیقتی که قرآن کریم و سایر کتب آسمانی دیگر نیز بر آن تأکید کرده‌اند این است که رستگاری انسان در گرو ایمان به خداوند و جهان غیب و عمل صالح است.

۵ - بصیرت دینی و بیداری اسلامی

با توجه به معنای بصیرت و دین و ترکیب این دو واژه، می‌توان گفت «در سایهٔ درک صحیح، قطعی و عمیق به معارف دین و التزام درونی و عملی به آنها (تدین) که از ناحیهٔ خداوند به انسان عنایت شده، موجب قدرت تحلیل و حرکت آگاهانه در همهٔ عرصه‌ها و حرکت انسان در صراط مستقیم می‌گردد» (رحیمی، ۱۳۹۲: ۸۴). نکتهٔ مهم این است که اصل بصیرت دینی از حقایق نوری عالم است و با افاضه الهی صورت می‌گیرد: «وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور: ۴۰). حضرات معصومین (ع) نیز که خود مصداق اتم بصیران در دین بودند، ضمن توصیهٔ پیروان خود به تلاش برای کسب الزامات بصیرت دینی، درخواست آن را از خداوند متعال یادآور می‌شدند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳). در رابطه

با ارتباط میان بصیرت دینی و بیداری اسلامی باید به این مطلب اشاره کرد که بصیرت دینی به مسلمانان کمک می‌کند تا دین را به درستی درک کنند و از انحرافات و فریب‌های ظاهری دوری کنند. این درک صحیح پایه‌گذار بیداری اسلامی است، زیرا مسلمانان با بصیرت می‌توانند به درستی از اصول دین دفاع کنند. این آگاهی باعث می‌شود که مسلمانان در برابر ظلم واکنش نشان دهند و برای احقاق حقوق خود تلاش کنند. بیداری اسلامی در واقع نتیجه این آگاهی و بصیرت است که مسلمانان را به عمل وادار می‌کند. «بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌شود» (قادری، ۱۴۰۲: ۱).

۶ - آثار و کارکردهای بصیرت دینی

یکی از مطالبات جدی مقام معظم رهبری ارتقای بصیرت دینی آحاد جامعه است. ایشان درباره انگیزه این مطالبه و تأکید بر آن، از بصیرت دینی به عنوان پشتوانه استقامت ملی یاد می‌کنند که امروز دشمنان اسلام آن را مورد هدف قرار داده‌اند، که تبعات آن از تهاجم نظامی به مراتب خطرناک‌تر است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۲/۲۲). به باور ایشان توجه به بصیرت دینی و آمادگی معنوی منبع قدرت نرم و پشتوانه‌ای است که نه تنها استحکام بخش ملت و بازدارنده تهاجمات دشمن است بلکه حرکت آفرین و بن بست شکن نیز می‌باشد.

۷ - گفتمان

تعاریف مختلفی برای «گفتمان» ارائه شده است. استوبز «زبان ورای جمله و عبارت» را گفتمان می‌داند. فاسولد نیز مطالعه هر جنبه‌ای از کاربرد زبان را مطالعه گفتمان می‌انگارد (ابتکاری و عیسایی خوش، ۱۳۹۶: ۶۹). تعاریف پیچیده‌تر به نحو دقیق‌تری به کاربرد زبان توجه دارند. به نظر گی «گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزشگذاری، باور داشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیا، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است». وی همچنین هشت خصیصه برای گفتمان‌ها بیان می‌کند که عبارتند از: ۱) یک گفتمان می‌تواند به دو یا چند گفتمان تقسیم شود، ۲) دو یا چند گفتمان می‌توانند در یک گفتمان واحد ادغام شوند، ۳) گفتمان‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند، اما می‌توان خطوط مشترک میان آن‌ها یافت، ۴) گفتمان‌های جدید ظهور می‌کنند و گفتمان‌های قبلی می‌میرند، ۵) همواره باید گفتمان‌ها را در رابطه مکمل بودن یا متخاصم بودن با گفتمان‌های دیگر دید. همچنین گفتمان‌ها وقتی تغییر می‌کنند که گفتمان‌های دیگر تغییر کنند، ۶) به هیچ وجه لازم نیست که گفتمان را پدیده‌ای کلان یا بزرگ در نظر بگیریم. گفتمان‌ها از خردترین تا کلان‌ترین سطوح گسترده شده‌اند، ۷) گفتمان‌ها می‌توانند ترکیبی از گفتمان‌های دیگر باشند، ۸)

گفتمان‌های متعددی وجود دارند که هیچ راهی برای شمارش آن‌ها نیست» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۳ - ۸۲). به طور کلی باید گفت که گفتمان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم اندیشه مدرن در علوم انسانی و اجتماعی است. به طور کلی، می‌توان این گونه بیان کرد که گفتمان شیوه‌ای از تفکر، ممارست فرهنگی یا چارچوبی نهادی است که به دنیا معنا و ساختار می‌بخشد. اهمیت گفتمان از آن جا سرچشمه می‌گیرد که انسان در زندگی روزانه خود پیوسته متون اجتماعی گوناگونی را تولید می‌کند. او زبانی را به کار می‌برد که از سویی، معانی آشکار و از سویی دیگر، معانی نهفته دارد؛ ولی آن معانی نهفته آثار و نتایج زیادی دارند. نقش زبان لزوماً در بازنمایی خلاصه نمی‌شود، بلکه زبان واقعیت اجتماعی را بیان می‌کند» (تیلور، ۱۳۹۷: ۷۸).

۸ - نمود گفتمان بصیرت دینی در اشعار جواهری

جواهری از شاعران معاصر عراقی علاقه وافری به بیداری مردمش از خرافه‌های دینی و ایجاد بصیرت و روشنگری در میان ملتش دارد که به بهترین وجه آن‌را در اشعارش بازتاب داده است؛ در ادامه به بارزترین شواهد شعری دال بر این مقوله پرداخته می‌شود:

۸ - ۱ - یاد خدا و پشتیبانی و رحمت الهی

یاد خدا و پشتیبانی و رحمت الهی ارتباط عمیقی با بصیرت دینی دارد. بصیرت دینی به معنای درک صحیح از دین و مفاهیم آن است که می‌تواند با یاد خدا و رحمت او تقویت شود. آگاهی از رحمت و پشتیبانی الهی به فرد کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات، دیدگاه روشن‌تری داشته باشد؛ این آگاهی می‌تواند به او قدرت دهد تا در مسیر درست قرار گیرد. همچنین یاد خدا و رحمت او به انسان کمک می‌کند تا درک بهتری از حقایق دین و زندگی داشته باشد و بتواند حق را از باطل تشخیص دهد و این امر به ویژه در زمان‌های بحرانی و دشوار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند:

الله خلفک والجدود کلاهما وکفاک عون الله والأجداد

(جواهری، ۲۰۰۱: ۳۳۶/۱)

خداوند و اجداد هر دو پشت سر تو هستند و یاری و حمایت خداوند و اجداد برای تو کافی‌ست.

این بیت شعر به معنای اعتماد به خداوند و تکیه بر قدرت اوست. در این جا، «الله خلفک» به این معناست که خداوند پشت و پناه تو است و «والجدود کلاهما» اشاره به این دارد که هم خداوند و هم اجداد تو در کنار تو هستند. در ادامه، «کفاک عون الله والأجداد» به این نکته اشاره دارد که کمک و یاری خداوند و اجداد به تو کافی است. از جمله مفاهیمی که در این بیت وجود دارد و سبب بصیرت دینی می‌شوند عبارتند از اعتماد به خداوند، ارزش اجداد و ارتباط با خدا؛ به این صورت که این بیت به فرد یادآوری می‌کند در هر شرایطی باید

به خداوند اعتماد کند. این شعر می‌تواند به فرد کمک کند تا درک عمیق‌تری از دین و ارتباطش با خداوند پیدا کند و بیداری اسلامی وی را محقق سازد تا بتواند با بیش و بصیرت بیشتری قدم در راه کمال بگذارد. با تأمل در این معنا، فرد می‌تواند به بصیرت بیشتری در مسائل دینی و زندگی روزمره دست یابد. این بصیرت می‌تواند به او کمک کند تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات، با دیدی روشن‌تر و قوی‌تر عمل کند. همانطور که گفته شد، گفتمان بر میزان تاثیرگذاری و و نیز احساسات توجه دارد و به همین دلیل می‌توان گفت که در این نمونه شعری شاعر قصد دارد بر دیدگاه خود مبنی بر یاری رسان بودن خداوند تاکید کند.

کُتِبَ اللَّهُ لَكَ الْنَصْرَةَ فِي هَذَا الْغَلَابِ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۷۹/۱)

خداوند در این درگیری و ستیزه، برای شما پیروزی را نوشت و مقدر کرد. این بیت به دو نکته اشاره دارد؛ نخست اعتماد به خداوند در پیکارها و مبارزات و سپس تأکید بر مبارزه در راه حق. به عبارت دیگر به فرد یادآوری می‌کند که در هر نوع مبارزه‌ای باید به خداوند اعتماد کند و بداند که پیروزی از جانب اوست. این اعتماد می‌تواند موجب آرامش روحی و افزایش ایمان به خدا شود. همچنین بر اهمیت مبارزه در راه حق و عدالت تأکید دارد. از منظر تأثیر در ایجاد بصیرت دینی باید گفت این بیت می‌تواند به فرد کمک کند تا درک عمیق‌تری از دین و ارتباطش با خداوند پیدا کند. با تأمل در این معنا، فرد می‌تواند به بصیرت بیشتری در مسائل دینی و زندگی روزمره دست یابد و نوعی بیداری اسلامی در ذهن و شخصیت وی شکل بگیرد و به دنبال آن، مسیر سعادت برای او هموار گردد. گفتمان غالب بر این مفهوم دینی نیز همان جدیت شاعر در بیان مفهوم موردنظر خویش می‌باشد تا خواننده را به خوبی تحت تأثیر قرار دهد.

۸-۲- هشدار در مورد مرگ

هشدار درباره مرگ انسان را به تفکر در مورد حقیقت زندگی و مرگ وادار می‌کند. این آگاهی به فرد کمک می‌کند تا به بصیرت دینی دست یابد و درک بهتری از هدف زندگی و مسیر خود در این دنیا پیدا کند. مرگ‌اندیشی به انسان می‌آموزد که زندگی موقتی است و باید به اعمال و رفتار خود توجه کند. هشدار درباره مرگ انسان را به تأمل در مورد حقیقت زندگی و مرگ وادار می‌کند. همچنین این مسأله، وی را به یاد آخرت می‌اندازد. این توجه به آخرت باعث می‌شود که فرد در زندگی دنیوی خود بصیرت بیشتری داشته باشد و انتخاب‌های بهتری انجام دهد.

طالَتْ أَأَنْتَ إِلَى الْمَمَاتِ عَجُولٌ

کَمْ ذَا يَسْرُكُ أَنْ تَفُوتَكَ سَاعَةٌ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۴۴۲/۲)

چه بسا که از دست دادن ساعتی به رغم طول آن تو را شاد سازد. آیا تو به سوی مرگ شتاب می‌ورزی؟

شاعر به اهمیت زمان و ارزش هر لحظه از زندگی اشاره می‌کند. این مفهوم به فرد یادآوری می‌کند که زمان محدود است و نباید آن را بیهوده صرف کرد. در دین نیز تأکید زیادی بر استفاده بهینه از زمان و بهره‌برداری از فرصت‌ها وجود دارد. عبارت «أنتَ إلى المماتِ عجول» نشان‌دهنده این است که انسان باید در زندگی خود با دقت و تأمل عمل کند و از شتابزدگی پرهیزد. در صورتی که فرد به بیداری اسلامی نائل گردد، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های خود، با بصیرت و آگاهی بیشتری عمل کند و این مصداق بارز بیداری اسلامی می‌باشد. با تأمل در این معنا، فرد می‌تواند به بصیرت بیشتری در مسائل دینی و اخلاقی دست یابد و متوجه شود که باید به جای شتابزدگی، به فکر استفاده بهینه از زمان و فرصت‌ها باشد. می‌توان گفت شاید منظور شاعر این است به رغم آنکه آدمی در حین ارتکاب خطا، زمان در نظرش طولانی جلوه می‌کند، ولی شاعر به این نکته توجه می‌کند که چنین فردی در حقیقت شتابان به سوی مرگ روان است. گفتمان غالب بر این بیت، حالت استفهامی دارد و شاعر از این طریق می‌خواهد برای مردم نسبت به مرگ، نوعی بصیرت ایجاد کند.

کم ذا یصعِّرُ أقوامٌ خدودَهم کفاهم عبرةٌ فی خدک التَّربُّ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۵۸/۱)

چه بسیار اقوامی که چهره‌هایشان را مغرورانه از مردم برمی‌دارند. همین عبرت برای آن‌ها کافی است که اکنون چهره‌ات را خاک گور پوشانده است.

شاعر با اشاره به «عبرةٌ فی خدک التَّربُّ» به اهمیت عبرت گرفتن از تاریخ و تجارب گذشته اشاره می‌کند. این مفهوم به فرد یادآوری می‌کند که باید از اشتباهات و ناکامی‌های دیگران درس بگیرد و از تکرار آن‌ها پرهیز کند. در دین نیز تأکید زیادی بر عبرت‌گیری از داستان‌های انبیاء و اقوام گذشته وجود دارد. عبارت «یصعِّرُ أقوامٌ خدودَهم» نشان‌دهنده بی‌توجهی برخی افراد است که به جای توجه به واقعیت‌ها، روی خود را به سمت دیگر می‌کنند. این بیت می‌تواند به فرد کمک کند تا درک عمیق‌تری از دین و مسئولیت‌های خود پیدا کند. با تأمل در این معنا، فرد می‌تواند به بصیرت بیشتری در مسائل دینی و اخلاقی دست یابد و متوجه شود که باید به جای غفلت و بی‌توجهی، با دقت و آگاهی در مسیر حق حرکت کند. آن‌گاه که آدمی بتواند خود را از غفلت برهاند، و آگاهانه مسیر زندگی خویش را انتخاب کند، می‌توانیم بگوییم به بیداری اسلامی رسیده است. گفتمانی که جواهری در این بیت مد نظر قرار داد، چیزی نیست جز نوعی تصویرسازی از مرگ و ملموس کردن آن در برابر دیدگان مردم، تا از این طریق آن‌ها را در برابر این پدیده ناگزیر آگاه و آماده سازد. در

تکمیل این دیدگاه باید گفت تصویرسازی «درحقیقت پایه و اساس شعر محسوب می‌شود که شاعران با تکیه بر این تصاویر، عواطف و افکار خویش را بیان می‌کنند (شریم، ۱۹۸۴: ۵۲).

۸ - ۳ - فریبنده بودن دنیا

فریبنده بودن دنیا ارتباط نزدیکی با بصیرت دینی دارد. قرآن کریم دنیا را محل آزمایش انسان معرفی می‌کند. زینت‌های دنیوی ممکن است انسان را فریب دهند و او را از هدف اصلی زندگی غافل سازند. بصیرت دینی به انسان کمک می‌کند تا در این آزمون پیروز شود و به هدف اصلی خود که همان رضای خداوند است، دست یابد، همچنین او را در برابر فریب‌های دنیا مقاوم می‌کند. زهد و قناعت، توجه به آخرت و تفکر و تعقل از جمله راه‌های کسب بصیرت دینی و بیداری اسلامی در برابر فریب‌های دنیوی است. نمود این مفهوم در دیوان جواهری در نمونه‌های ذیل دیده می‌شود:

سراب و جنات الأمانی	غرور یمیننا، الحیاة
بلاقه	وصفوها
كما افتر عن ثغر المحب	نسُر بزهو من حیاة
مُخادع	كذوبه

(جواهری، ۲۰۰۱: ۲/۲۹۹)

زندگی فریبی است که با آرزوهایش ما را می‌فریبد و صفا و پاکی‌اش سرابی است و بهشت آرزوها بی‌آب و علف است. به شادی و افتخار از زندگی دروغین خود لذت می‌بریم، همان‌گونه که لبخند فریبنده بر لب عاشق می‌نشیند. شاعر با بیان تشبیهات و تمثیلات زیبا، به انسان هشدار می‌دهد که دنیا و لذت‌های آن فانی و گذراست و نباید به آن غره شد. بلکه باید به آخرت و لذت‌های پایدار آن توجه کرد. همچنین انسان را از غرور و خودپسندی برحذر می‌دارد که موجب فریب خوردن و دوری از حق است. گفتمانی که شاعر در این دو بیت مد نظر دارد، حالت توصیفی دارد و وی به مثابه یک خطیب دینی به توصیف چهره فریبنده دنیا می‌پردازد و تلاش خود برای ایجاد بصیرت دینی را اینگونه تکمیل می‌کند.

وترکی فی‌ها الجِدَّ وهو	إلام انخداعی بالمُنی
مزاح	وهی غرّة

(جواهری، ۲۰۰۱: ۱/۲۵۰)

تا کی باید به آرزوها فریب بخورم در حالی که آن‌ها فریبی بیش نیستند و جدیت را در آن رها کنم، در حالی که این آرزوها فقط بازی و شوخی هستند؟ این بیت به روشنگری و بصیرت دینی کمک می‌کند؛ زیرا به انسان یادآوری می‌کند که زندگی دنیوی پایدار نیست و باید به واقعیت‌های زندگی توجه بیشتری داشته باشد. ضمن اینکه این شعر به نوعی انسان را به تفکر در مورد آخرت و زندگی پس از مرگ دعوت می‌کند و یادآور می‌شود که زندگی دنیوی نمی‌تواند هدف نهایی باشد. این یادآوری مصداق بارزی برای بیداری اسلامی است که جواهری به آن توجه. در رابطه با دلالت استفهام در شکل‌گیری گفتمان غالب بر اشعار باید گفت «یکی از دلایل کاربرد استفهام در شعر، اضطراب روحی و عدم ثبات در حالات درونی شاعر و حتی اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار وی است. شاعری که دچار حیرت و سرگشتگی است، پیوسته به سؤال و جواب مشغول می‌شود تا با یافتن پاسخ این سؤالات، روح بیقرار خویش را آرام و قرار ببخشد» (مسمح، ۲۰۰۷: ۱۷۴). در این مجال نیز گفتمان استفهامی مد نظر شاعر است تا از این طریق احساسات مردم را تحت تأثیر قرار دهد و بینش آن‌ها نسبت به مسائل دینی را فزونی بخشد.

۸ - ۴ - ناپایداری دنیا

ناپایداری دنیا به نوعی بیداری اسلامی ایجاد می‌کند؛ زیرا به انسان یادآوری می‌کند که زندگی مادی و زودگذر است و هیچ چیز دائمی نیست. این درک به فرد کمک می‌کند تا به بصیرت دینی دست یابد و از تعلقات دنیوی فاصله بگیرد. این نوع بیداری اسلامی و بصیرت دینی، انسان را به یاد آخرت می‌اندازد و او را به تفکر در مورد عاقبت خود و پاداش‌ها و کیفرهای الهی ترغیب می‌کند. ناپایداری دنیا باعث می‌شود که فرد به فکر آبادانی آخرت باشد و از فریب‌های دنیوی دوری کند. این توجه به آخرت به عنوان سرای جاودان، انسان را در مسیر درست هدایت می‌کند:

لا شملَ ببقی علی
الأیام مجتمعا
یبدد الموت حتی دارة
الشَّهَب

(جواهری، ۲۰۰۱: ۵۱/۱)

هیچ جمعی بر روزگار باقی نمی‌ماند، مرگ حتی اجتماع ستاره‌ها را نیز پراکنده می‌کند. این بیت بیانگر آن است که همه چیز در این دنیا فانی و زودگذر است و حتی اجرام آسمانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مرگ، سرنوشت همه موجودات است. این بیت با طرح موضوع فنا و زوال همه چیز در گذر زمان، می‌تواند به روشنگری و بصیرت دینی خواننده کمک کند؛ به این ترتیب که خواننده را به این واقعیت آگاه می‌کند که زندگی دنیوی پایدار نیست و باید به دنبال ارزش‌های ماندگار و معنوی بود. همچنین با تأکید بر اینکه همه چیز

نباید از قساوت و ظلم ظالمان ترسید، چرا که در نهایت حق پیروز خواهد شد. او با طرح موضوع مقاومت در برابر ظلم، به روشنگری و بصیرت دینی خواننده کمک می‌کند و نوعی بیداری اسلامی در شخصیت وی ایجاد؛ زیرا خواننده را متوجه می‌کند که در نهایت عدالت الهی بر همه چیز حاکم است و ظالمان سرانجام مجازات خواهند شد. این آگاهی می‌تواند به تقویت ایمان و توکل به خداوند کمک کند. با تأکید بر اینکه نباید از ظالمان ترسید، این بیت خواننده را به مبارزه با ظلم و ستم در جامعه دعوت می‌کند. این مبارزه می‌تواند به تحقق عدالت و برقراری نظم اخلاقی در جامعه کمک کند و روحیه پایداری و مقاومت در خواننده را تقویت کند و گفتمان موجود در این نمونه شعری با تأثیری که بر روحیات خوانندگان بر جای می‌گذارد، می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در برابر سختی‌های زندگی استقامت کنند و به هدف‌های خود برسند.

وکیفَ یسمَعُ صوتُ للافک والزور فیه دلفُ
الحقّ فی بلدٍ مزمــــــــــــــــــــــــــــــــار

(جواهری، ۲۰۰۱: ۵۰۲/۱)

چگونه صدای حق در سرزمینی شنیده شود که در آن، دروغ و فریب به صدا درآمده است؟ در جوامع پر از فساد و دروغ، حقیقت به سختی شنیده می‌شود و صدای ناهنجاری‌ها غالب می‌شود. شاعر به چالش‌های موجود در بیان حقیقت و اهمیت آن در مقابل دروغ‌ها اشاره می‌کند؛ به همین دلیل شاعر برای ایجاد بصیرت دینی خواننده را متوجه می‌کند که در جوامع پر از فساد، حقیقت به سختی شنیده می‌شود. این آگاهی می‌تواند به انسان کمک کند تا در جستجوی حقیقت باشد و از پذیرش دروغ‌ها و فریب‌ها پرهیز کند. با تأکید بر اینکه صدای حقیقت باید شنیده شود، خواننده را به جستجوی حقیقت و ایستادگی در برابر دروغ‌ها دعوت می‌کند. این جستجو می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه کمک کند. همچنین خواننده را به یادآوری مسئولیت‌های فردی در برابر حقیقت و واقعیت‌های زندگی دعوت کند. این توجه به مسئولیت می‌تواند به تقویت بصیرت دینی و اخلاقی کمک کند.

۸- ۶ - تأکید بر پیروی از عقل

بصیرت دینی با استفاده از عقل و تفکر به دست می‌آید. انسان با بصیرت همواره در آیات قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) تفکر می‌کند و با استدلال و استنتاج به نتایج درست می‌رسد. این تفکر و تعقل باعث می‌شود که او از فریب‌های باطل در امان بماند و در مسیر درست قرار گیرد. گاهی هوای نفس و تعصبات، مانع استفاده درست از عقل

می‌شوند. در نهایت، تأکید بر پیروی از عقل به عنوان یک عامل مهم در ارتقاء بصیرت دینی عمل می‌کند. استفاده درست از عقل و تفکر انسان را به سمت حق و حقیقت هدایت می‌کند و او را از فریب‌های باطل در امان نگه می‌دارد. نمود این مسأله در دیوان جواهری در ابیات ذیل دیده می‌شود:

سَلَطْتُ عَقْلِي عَلَى مِيلِي صَبْرًا كَمَا سَلَطُوا مَاءً عَلَى
وَعَطَاطِفِي النَّارِ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۵۰۳/۱)

عقل خود را بر میل و احساساتم مسلط کردم، با صبر و تحمل، همان‌گونه که آب را بر آتش مسلط می‌کنند.

شاعر به اهمیت کنترل عقل بر عواطف و تمایلات اشاره می‌کند و از صبر به عنوان راهی برای مدیریت احساسات یاد می‌کند. او با تشبیه به ریختن آب بر آتش، نشان می‌دهد که عقل می‌تواند بر احساسات غلبه کند و آن‌ها را مهار کند. شاعر معتقد است که عقل و تفکر باید بر احساسات غلبه داشته باشد. این آگاهی می‌تواند به انسان کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌های خود به عقل و منطق تکیه کند و از عمل بدون فکر پرهیز کند. همچنین وی با تأکید بر صبر به عنوان یک فضیلت، خواننده را به تحمل سختی‌ها و چالش‌ها دعوت می‌کند. صبر یکی از ارزش‌های کلیدی در دین اسلام است که به تقویت ایمان و استقامت در برابر مشکلات کمک می‌کند. و او را به یادآوری توازن میان عقل و احساس دعوت کند؛ زیرا گفتمان شاعر در آن به نوعی بیان یک تجربه عینی و ملموس می‌باشد و تحت تأثیر همین گفتمان است که انسان در زندگی خود با داشتن تعادل میان احساسات و عقل می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر و زندگی سالم‌تری دست پیدا کند. این نمونه شعری به این صورت سبب بیداری اسلامی می‌گردد که انسان باید همواره مراقب باشد که عقل خود را در خدمت هوای نفس قرار ندهد و به دنبال حق و حقیقت باشد:

تَحِيرَ بَيْنَ النَّهْيِ وَالْهَوَى فَهَذَا نِهَاهُ وَهَذَا أَمْرُ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۴۹۷/۱)

در میان عقل و هوس سرگردان است؛ این یکی او را به سوی نیکی می‌برد و آن دیگری او را به سوی خواسته‌های نفسانی.

شاعر با این بیان، به چالش میان عقل و احساسات در زندگی انسان اشاره می‌کند. عقل انسان را به راه درست هدایت می‌کند، اما هوای نفس و تمایلات شخصی او را به سوی دیگری می‌کشاند. این تردید و سرگردانی یکی از چالش‌های اصلی در مسیر کمال و تعالی انسان است. نقش این بیت در ایجاد بصیرت دینی و به تبع آن بیداری اسلامی در خوانندگان

به این صورت است که خواننده را متوجه می‌کند که عقل و احساسات هر دو در زندگی انسان نقش دارند، اما باید بین آن‌ها توازن برقرار کرد. این آگاهی می‌تواند به انسان کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌های خود به عقل و منطق تکیه کند و از تأثیرات منفی هوای نفس پرهیز کند. در گفتمان غالب بر این بیت متوجه می‌شویم که شاعر به آگاه‌سازی مردم توجه دارد و با اشاره به چالش میان عقل و هوای نفس، این خواننده را به تقوا و خودسازی دعوت می‌کند.

۸- ۲ - نکوهش ظاهرگرایی

قرآن کریم و روایات اسلامی بارها به نکوهش ظاهرگرایی و تأکید بر بصیرت و درک باطنی پرداخته‌اند. ظاهرگرایی ناشی از نبود بصیرت دینی است؛ کسانی که فقط به ظواهر توجه دارند و در پی درک باطن و حقایق نیستند، فاقد بصیرت هستند. نکوهش ظاهرگرایی و تأکید بر بصیرت دینی در قرآن و روایات، نشان‌دهنده اهمیت شناخت صحیح دین و زندگی است:

ما أشبه الأَطْوَاقُ	لا تَخْدَعَنَّكَ حَلِيَّةٌ
بِالْأَقْيَادِ	مُوهُومَةٌ
بِضُّ نَوَاصِعُ لُقَعَتْ	مَا أَنْصَفُوا التَّأْرِيخَ
بِسُـوَادِ	وَهُوَ صَحَافٌ

(جواهری، ۲۰۰۱: ۴۷۲/۱)

زیبایی موهوم تو را فریب ندهد! چه شباهت زیادی دارند زنجیرها به افسارها. [در نوشتن] تاریخ انصاف را رعایت نکردند، در حالی که صفحات سفید درخشانی است که با سیاهی لکه‌دار شده‌اند.

انسان نباید به ظواهر فریبده دل ببندد و باید به حقیقت و واقعیت‌های تاریخ توجه کند. زینت‌ها و زیبایی‌های ظاهری ممکن است در واقع به بند کشیدن انسان منجر شوند. ارتباط میان اسلوب نهی و گفتمان غالب بر شعر آن است که «استفاده از صیغه نهی ارتباط مستقیمی با حالات روحی شاعر دارد. این ساختار در میان شاعران معاصر عرب کاربرد فراوانی دارد؛ زیرا نزدیک‌ترین ابزار زبانی برای انتقال تجربه‌های خود به دیگران و موعظه کردن آن‌ها و به دنبال آن اصلاح جامعه محسوب می‌شود. ناگفته نماند که ترس و نگرانی از شرایط هر جامعه دو عامل بسیار اساسی در به‌کارگیری صیغه نهی هستند» (عکاشه، ۲۰۱۱: ۱۷۸). این نمونه شعری با گفتمان جدی خود که اسلوب نهی بر آن غالب است، می‌تواند به

روشنگری و بصیرت دینی کمک کند و منجر به بیداری اسلامی در میان مخاطبان گردد؛ به چند دلیل؛ (۱) از این جهت که خواننده را متوجه می‌کند که دنیا و زینت‌های آن ممکن است فریبنده باشند و نباید به آن‌ها اعتماد کرد. این آگاهی می‌تواند به انسان کمک کند تا به دنبال ارزش‌های واقعی و پایدار باشد. (۲) با اشاره به تحریف تاریخ، این بیت خواننده را به تأمل در مورد تاریخ و حقیقت آن دعوت می‌کند. این تأمل می‌تواند به انسان کمک کند تا از تجربیات گذشته عبرت بگیرد و به سمت آینده‌ای بهتر حرکت کند. (۳) این شعر می‌تواند خواننده را به یادآوری ارزش‌های اخلاقی و دینی دعوت کند. این توجه به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به تقویت بصیرت دینی و تلاش برای زندگی بر اساس اصول اخلاقی کمک کند. در مجموع، این بیت با بیان واقعیت‌های تلخ زندگی و فریبندگی ظواهر، خواننده را به تأمل در مورد زندگی و ارزش‌های خود و او را به سمت توجه به حقیقت و واقعیت‌های زندگی هدایت می‌کند.

أدرکتُ ظاهرةَ النَّاسِ وأدرکتُ الخفایا

رَنَّةُ المِعْوَلِ فی صوتُ للمنايا
الحفوة

کومةٌ للرَّمْلِ أم جمجمةٌ طارت
شظایا؟

حملَ النَّاسُ سكوناً وجلالاً فی الحفایا

(جواهری، ۲۰۰۱: ۲/۵۱۸)

ظاهر مردمان را درک کردم همانطور که باطن ایشان را. صدای کلنگ در گودال، صدای مرگ است. آیا توده‌ای از شن است یا جمجمه‌ای که تکه‌تکه شده است؟ مردم آرامش و ابهت را در گودال‌ها حمل می‌کنند.

شاعر به این مطلب اشاره می‌کند که نه تنها ظاهر و رفتار ظاهری انسان‌ها را می‌بیند، بلکه به باطن و حقیقت درونی آن‌ها نیز واقف است. همچنین با اشاره به صدای بیل در حال حفر قبر و ارتباط آن با مرگ، شاعر به زوال و فنای انسان‌ها اشاره می‌کند. او سؤال می‌پرسد که آیا آنچه بیل در حال حفر آن است، تپه‌ای از شن است یا جمجمه‌ای که تکه‌های آن پراکنده شده‌اند؟ این سؤال به زوال و نابودی انسان‌ها اشاره دارد. گفتمانی که شاعر در این ابیات مد نظر داشته آن است که وی تلاش کرد تا با طرح مفاهیم ظاهر و باطن انسان‌ها و مرگ و زوال

به روشنگری و بصیرت دینی خواننده کمک کند؛ به این صورت که نخست آنکه خواننده را متوجه می‌کند که انسان‌ها دارای ظاهری متفاوت با باطن خود هستند. این آگاهی می‌تواند به انسان کمک کند تا به دنبال شناخت حقیقی انسان‌ها باشد و فریب ظاهر آن‌ها را نخورد. سپس اینکه با اشاره به مرگ و نابودی انسان‌ها، این بیت خواننده را به تفکر در مورد مرگ و آخرت دعوت می‌کند.

به طور کلی بصیرت دینی و بیداری اسلامی ناشی از آن، انسان را از افتادن در منجلاّب ظاهریستی حفظ می‌کند و حقیقت امور را برای او آشکار می‌سازد. در مقابل، ظاهرگرایی ناشی از نبود بصیرت و بیداری اسلامی است و انسان را در دام فتنه‌ها قرار می‌دهد.

نتیجه

بصیرت دینی به فرد کمک می‌کند تا از سطح ظاهری امور فراتر رفته و به عمق مسائل پی برد به شرطی که مسائل دینی با یک گفتمان دقیق برای وی بیان گردد. مهم‌ترین مؤلفه‌های بصیرت دینی در شعر جواهری عبارتند از یاد خدا، پشتیبانی و رحمت الهی، هشدار در مورد مرگ، فریبده بودن دنیا و ناپایداری آن، دعوت به هوشیاری برای شناخت حق و باطل، تأکید بر پیروی از عقل، و در نهایت نکوهش ظاهرگرایی. اشعار جواهری به مفاهیم کلیدی متعددی اشاره دارند که می‌توانند به روشنگری و بصیرت دینی کمک کنند؛ از جمله اینکه وی در اشعار خود به مثابه یک خطیب دینی و باگفتمان خاصی نه تنها به خواننده قوت قلب می‌دهد، بلکه او را به سمت درک عمیق‌تری از ایمان و زندگی دینی هدایت می‌کند و به این ترتیب سبب بصیرت دینی و روشنگری در جان وی می‌گردد و بر اهمیت اعتماد به خدا و مبارزه در راه حق تأکید می‌ورزد. در مجموع جواهری تلاش کرده است تا آن دسته از موضوعاتی را در شعر خود مطرح کند که سبب روشنگری و بصیرت دینی در خواننده شود و کلام وی در بیان این موضوعات همچون کلام یک عالم دینی است که با گفتمان خاص خود قصد دارد خواننده را تحت تأثیر قرار دهد و بینش و آگاهی وی را به سوی مسائل دینی سوق دهد و البته که همه این مفاهیم با یک گفتمان خاص همراه است؛ به این صورت که شاعر خود را در مقام یک خطیب دینی قرار داده است و به روشنگری می‌پردازد. به بیان دیگر پس از خوانش عمیق نمونه‌های شعری جواهری این مطلب برداشت شد که بصیرت دینی نه تنها بر فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به ایجاد بصیرت در جامعه نیز کمک کند. وقتی که افراد جامعه بصیرت کافی داشته باشند، می‌توانند به راحتی توطئه‌های دشمنان را شناسایی کنند و از انحرافات جلوگیری کنند. این بصیرت جمعی می‌تواند به تقویت بیداری اسلامی منجر شود. در یک کلام باید گفت بصیرت دینی به عنوان یک عامل اساسی در بیداری اسلامی عمل می‌کند. این بصیرت به مسلمانان کمک می‌کند تا دین خود را به درستی

درک کنند، در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند، هویت اسلامی خود را تقویت کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابتکاری، محمد حسین، & عیسایی خوش، کوروش. (۱۳۹۶). بررسی نظریه، روش و کاربرد تحلیل گفتمان. رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، ۱۰، ۶۴-۸۶.

ابراهیم زاده، عبدالله. (۱۳۸۷). دین پژوهی. قم: زمزم هدایت.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتبة الإعلام الإسلامی.

أبو عمر، شهاب الدین. (۲۰۰۵). القاموس المنجد. بیروت: دارالفکر.

تیلور، استفنی. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان چیست؟ (عرفان رجبی و پدram منیعی، مترجمان). تهران: نویسه پارسی.

الجواهری، محمد مهدی. (۲۰۱۱). الأعمال الشعرية الكاملة. بغداد: مکتبة جريرة الورد.
حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۹۳). بصیرت (چیستی، چرایی، چگونگی). قم: زمزم هدایت.

الحجاجة، سعاد یوسف محمد. (۲۰۱۲). خمريات أبی نواس ومسلم بن ولید دراسة أسلوبية. جامعة الخلیل عمادة الدراسات العليا. إشراف: حسام الدین التیمی.
حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۶). دانشنامه جهان اسلام (جلد ۱۱). تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸، ۲۲ اردیبهشت). بیانات. بازیابی شده از <https://farsi.khamenei.ir>

رحیمی، عباس. (۱۳۹۲). بصیرت نیاز همیشگی. تهران: نشر جمال.

روبرت، ب.، & کامبل یسوعی. (۱۹۹۶). أعلام الأدب العربی المعاصر. بیروت: الشركة المتحدة للتوزيع.

شریم، جوزیف میخال. (۱۹۸۴). دليل الدراسات الأسلوبية. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.

عکاشه، محمود. (۲۰۱۱). التحليل اللغوی فی ضوء علم الدلالة. مصر: دار النشر للجامعات.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۳). گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴(۱۴)، ۸۱-۱۰۷.

قادر، قادر. (۱۴۰۲). بازتاب بیداری اسلامی در اشعار مصطفی صادق رافعی. مطالعات

بیداری اسلامی، ۱۲ (۴)، ۳۰.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مسمح، ایمن سلیمان. (۲۰۰۷). الاتجاه الاجتماعي في الشعر الفلسطيني بين انتفاضتين ۱۹۸۷ - ۲۰۰۷ م. الإشراف: نبی خالد أبوعلی. الجامعة الإسلامية - غزة، عمادة الدراسات العليا. كلية الآداب، قسم اللغة العربية.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ممتحن، مهدی، محمدیان، حسین، & رودینی، محمد امین. (۱۳۸۹). دین در اندیشه جواهری و شهریار (بررسی و تطبیق). مطالعات ادبیات تطبیقی، ۴ (۱۵)، ۱۴۳-۱۶۴.

